

تربیت فرزند در سیره امام حسین علیه السلام

محمد رضا رجبی

از موقعیت ویژه‌ای برخوردار است که این مقاله بر آن است تا نکاتی از سیره تربیتی آن حضرت را در دو بخش ارائه کند. بخش اول، برخی نکات تربیتی است که تا پیش از حادثه کربلا تحقق یافته و بخش دوم، نگاهی مستقل به حادثه عظیم کربلا و بیان نکات تربیتی آن.

ذکر این نکته لازم است که بخش پایانی عمر شریف حضرت؛ یعنی زمان تحقق حادثه کربلا، نکات تربیتی بیش‌تری را در خود دارد؛ چرا که حادثه کربلا به خاطر بی‌ظن بودن آن بیش از سایر حوادث مورد توجه سیره‌نویسان و مورخان واقع گردیده است و اسناد بیش‌تری از آن در دسترس است که می‌توان از میان آن نکات تربیتی ویژه‌ای را کشف کرد.

تربیت صحیح فرزندان از ضروری‌ترین وظایف والدین به شمار می‌آید. انجام این وظیفه مهم، بدون اطلاع از دیدگاه‌های صاحب‌نظران آگاه و مطمئن ممکن نیست. ما معتقدیم که معصومان علیهم السلام در تمام ابعاد هدایتی و تربیتی، الگوهای کامل و مطمئن به شمار می‌آیند و تکیه بر گفتارها و رفتارهای تربیتی آنان در مسیر تحقق این وظیفه خطیر، بهترین ره توشه است. تمام معصومان علیهم السلام نور واحد بوده، هدفی مشترک داشته‌اند؛ ولی به اقتضای موقعیتها در سیره تربیتی آنان، شگردهای گوناگونی به چشم می‌خورد که کنار هم نهادن مجموع گفتارها و رفتارهای تربیتی آنان، الگویی کامل از نظام تربیتی اسلام را عرضه می‌کند.

در میان معصومان علیهم السلام، امام حسین علیه السلام

بخش اول: پیش از حادثه کربلا

زمینه‌سازی تربیت

در مکتب اهل بیت علیهم‌السلام تنها تربیت فرزندان از لحظه تولد مورد توجه است؛ بلکه به زمینه‌های تربیت و شرایط قبل از تولد و حتی قبل از انعقاد نطفه نیز توجه خاص شده است. از این رو، در روایات ایشان زمینه‌ها و شرایط مطلوب و نامطلوب انعقاد نطفه بیان گردیده است. از جمله اینکه از همبستری در شبی که انسان قصد مسافرت دارد، پرهیز شود. امام حسین علیه‌السلام خطاب به اصحابش فرمود: «اجْتَنِبُوا الْعَشْيَانَ فِي اللَّيْلَةِ الَّتِي تُرِيدُونَ فِيهَا السَّفَرَ فَإِنَّ مَنْ فَعَلَ ذَلِكَ ثُمَّ رَزَقَ وَكَلَدًا كَانَ أَحْوَلًا»^۱ از همبستر شدن با همسرانتان در شبی که قصد مسافرت دارید پرهیزید، [زیرا] اگر کسی آن کار را انجام دهد، سپس فرزندی روزی او شود، آن فرزند احوال (لوچ) خواهد شد.

اظهار محبت به فرزندان

محبت به فرزندان امری است که خدا آن را در دل والدین به ودیعه نهاده است؛ اما آنچه است می‌نماید و آثار تربیتی دارد، ابراز محبت است که والدین و مربیان می‌توانند در پرتو آن زمینه تربیت صحیح را فراهم آورند؛ چه بسیارند والدینی که به فرزندان

خود علاقه فراوان دارند، اما آن را ابراز نمی‌کنند، در حالی که محبت وقتی سازنده و تأثیرگذار خواهد بود که فرزند از آن آگاهی یابد.

امام حسین علیه‌السلام به عنوان الگوی تربیتی مطمئن و کامل، محبت به فرزندان را از نیازهای ضروری آنان دانسته، در قالبهای گوناگون به ابراز آن می‌پرداخت؛ گاه با در آغوش گرفتن و به سینه چسبانیدن خردسالان، زمانی با بوسیدن آنان و گاه با به زبان آوردن کلمات شیرین و محبت‌آمیز.

«عبد الله بن عتب» می‌گوید: «كُنْتُ عِنْدَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عليه‌السلام إِذْ دَخَلَ عَلَيَّ بِنُ الْحُسَيْنِ الْأَصْغَرَ فَدَعَاهُ الْحُسَيْنُ عليه‌السلام وَ ضَمَّهُ إِلَيْهِ ضَمًّا وَقَبَلَ مَا بَيْنَ عَيْنَيْهِ ثُمَّ قَالَ يَا بِي أَنْتَ مَا أَطْيَبَ رِيحَكَ وَأَحْسَنَ خَلْقَكَ»^۲ نزد حسین بن علی علیه‌السلام بودم. در این هنگام علی بن حسین علیه‌السلام کوچک وارد شد. حضرت او را صدا زد، در آغوش گرفت آغوش گرفتنی و میان دو چشمش را بوسید و سپس فرمود: پدرم به فدایت باد! چقدر خوشبو و زیبایی.

تشویق کار خوب فرزندان

یکی از شیوه‌های کارآمد تربیتی، مورد اتفاق صاحب نظران عرصه تعلیم و تربیت، تشویق به جا و متناسب با فعالیت انجام

۱. موسوعة کلمات الامام الحسين عليه‌السلام، گروه حدیث پژوهشکده باقر علوم، نشر بین الملل، امیر کبیر، قم، ۱۳۷۷ ش، ص ۷۱۱.

۲. بحار الانوار، محمد باقر مجلسی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۹۷ ق، ج ۴۵، ص ۴۴.

شده است که به ایجاد انگیزه در فرزند و تکرار و تقویت رفتار وی می‌انجامد.

چه بسا فرزندان از ارزش و اعتبار صفات مثبت خود آگاهی نداشته، به شخصیت حقیقی و توانمندیهای مثبت خویش پی نبرده‌اند و خود را در مقایسه با دیگران ناچیز به شمار می‌آورند. از این رو، والدین و مربیان باید ویژگیهای مثبت فرزندان را کشف و برجسته سازند و مورد توجه و تشویق قرار دهند. در فرهنگ اسلامی که تربیت دینی و اخلاقی فرزندان در کانون توجه است، بر تشویق فرزندان هنگام بروز رفتارهای دینی و برجسته کردن صفات اخلاقی و معنوی آنان بسیار تأکید شده است. امام سجاد علیه السلام فرمود: «من به بیماری شدیدی مبتلا شدم. پدرم بر بالینم آمد و فرمود: مَا تَسْتَهِي؟ فَقُلْتُ: أَشْتَهِي أَنْ أَكُونَ مِمَّنْ لَا اقْتِرَحُ عَلَى اللَّهِ رَبِّيَ مَا يُدْبِرُهُ لِي. فَقَالَ علیه السلام: لِي أَحْسَنْتَ ضَاهَيْتَ إِبْرَاهِيمَ الْخَلِيلَ علیه السلام حَيْثُ قَالَ جِبْرَائِيلُ: هَلْ مِنْ حَاجَةٍ؟ فَقَالَ: لَا اقْتِرَحُ عَلَى رَبِّي بَلْ حَسْبِيَ اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ؛^۲ چه خواسته‌ای داری؟ عرض کردم: دوست دارم از کسانی باشم که درباره آنچه خدا برایم تدبیر کرده، خواسته‌ای نداشته باشم. پدرم در مقابل این

جمله به من آفرین گفت و فرمود: تو مانند ابراهیم خلیلی، [به هنگام گرفتاری] جبرئیل [نزدش آمد و] پرسید: از ما کمک می‌خواهی؟ او در جواب فرمود: درباره آنچه پیش آمده از خدا سؤال نمی‌کنم. خداوند مرا کافی است و او بهترین وکیل است.»

طبق این حدیث امام حسین علیه السلام در مقابل پاسخ عارفانه و دلنشین فرزندش که براساس ظاهر حدیث، سن و سال چندانی نداشته است؛ جمله «أَحْسَنْتَ» را به کار برد و او را به «ابراهیم خلیل» تشبیه کرد.

اهمیت آموزش دینی فرزندان و قدردانی از

معلمان و مربیان

در اسلام، کسب دانش مورد سفارش شدید بوده و رهبران دینی پیروان خود را به آموزش و اندوختن دانش، به ویژه معارف دینی تشویق کرده‌اند.

بر اساس روایات، معلمان و مربیان به خصوص آنان که در تعلیم آموزه‌های دینی می‌کوشند، حق بزرگی بر جامعه دارند و باید تلاش صادقانه آنان مورد قدردانی و سپاسگزاری قرار گیرد تا رغبت و انگیزه بیش‌تری بیابند. مرحوم بحرانی در «حلیة الابرار» از شیخ فخر الدین نجفی - که از فضلا و زهاد بود - نقل کرده است که: «شخصی به نام عبد الرحمان در مدینه، معلم کودکان بود و یکی از فرزندان امام

حسین علیه السلام به نام "جعفر" نزدش آموزش می‌دید. معلم جمله "الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ

۱. مجمع البحرین، فخر الدین طریحی، دار المکتبة الهلال، بیروت، ۱۴۰۶ ق، ج ۲، ص ۴۰۴.

۲. بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۶۷، ح ۳۴.



روبه‌رو است و یکی از مهم‌ترین آنها، گزینش همسر است و چنانچه فرزند از قدرت انتخاب صحیح و معقول برخوردار است، باید به وی حق انتخاب داد و از ازدواجهای تحمیلی پرهیز کرد.

حسن مثنی^۲، فرزند امام حسن مجتبی^{علیه السلام} یکی از دختران امام حسین^{علیه السلام} را خواستگاری کرد. امام حسین^{علیه السلام} به او فرمود: «اختر یا بنی أحبهما إليك؛ فرزندانم! هر کدام را بیش‌تر دوست داری، انتخاب کن.»

حسن مثنی^{علیه السلام} شرم کرد و جوابی نداد. آن‌گاه امام فرمود: «من دخترم فاطمه را برایت انتخاب کرده‌ام؛ زیرا او به مادرم فاطمه^{علیه السلام} دختر رسول خدا^{صلی الله علیه و آله} شبیه‌تر است.»^۳

ملاحظه می‌شود با اینکه حسن مثنی^{علیه السلام} به احترام عمو و دخترانش به طور مشخص از دختر خاصی خواستگاری نکرد و امر را به عمویش و انهاد؛ ولی امام به انتخاب و علاقه فرزند برادرش اهمیت داد و از او

العالمین" را به جعفر تعلیم داد. هنگامی که جعفر این جمله را برای پدر قرائت کرد، حضرت آن معلم را فراخواند و هزار دینار و هزار حله به او هدیه داد. وقتی حضرت به خاطر پاداش زیاد مورد پرسش قرار گرفت، در جواب فرمود: «وَ اِنِّي تَسَاوِي عَطِيَّتِي هَذَا بِتَعْلِيمِهِ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ اَلْعَالَمِينَ» و بخشش من برابر است با یاد دادن «اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ اَلْعَالَمِينَ توسط او.»^۱

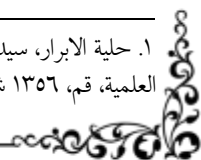
احترام به انتخاب جوان در امر ازدواج

جوانان به سبب کمی تجربه، به استفاده از تجارب و شنیدن نصایح والدین نیازمندند؛ اما آنان دیگر دوران کودکی و نوجوانی را پشت سر گذاشته و به حدی از رشد رسیده‌اند که خود حق انتخاب داشته، برای خود تصمیم بگیرند. از این رو، شایسته است والدین در دوران کودکی و نوجوانی زمینه استقلال و قدرت تصمیم‌گیری آنها را در سنین بالاتر فراهم آورده، آنان را چنان تربیت کنند که به سمت انتخابهای معقول و تصمیمهای منطقی پیش روند و مصالح واقعی را بر منافع آنی و زودگذر ترجیح دهند. اگر فرزندان به این حد از رشد و استقلال برسند، باید به آنان اعتماد کرد و به تصمیمها و انتخابهای آنان احترام نهاد. جوان در طول زندگی با انتخابهای گوناگونی

۲. در کتب سیره و تاریخ ائمه^{علیهم السلام} از حسن به عنوان یکی از فرزندان امام مجتبی^{علیه السلام} یاد شده؛ و چنین آمده است: «وَأَمَّا حَسَنُ بْنُ الْحَسَنِ فَكَانَ خَلِيلًا، رَئِيسًا، فَاضِلًا، وَرِعًا...» الارشاد، محمد بن محمد مفید، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۳۷ ش، ص ۱۹۶؛ مناقب آل ابی طالب، ابن شهر آشوب، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۳۸۸ ش، ج ۳، ص ۱۹۲ و بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۱۶۳.

۳. موسوعة کلمات الامام الحسین^{علیه السلام}، ص ۶۳۲.

۱. حلیة الابرار، سید هاشم بحرانی، ناشر دار الکتب العلمیه، قم، ۱۳۵۶ ش، ج ۱، ص ۵۸۲.



خواست خودش آن همسری را که بیش تر دوست دارد، به همسری برگزیند.

تربیت عملی

بی تردید مؤثرترین عامل در تربیت اخلاقی و دینی فرزندان، رفتارهای درست والدین است؛ چرا که زبان رفتار از زبان گفتار بسی نافذتر بوده، در عمل آثاری نهفته است که هرگز از گفتار بر نمی آید. کودک و نوجوانی که پیوسته شاهد اعمال نیک والدین است، غیر مستقیم سرمشق می گیرد و به انجام کارهای نیک تشویق می گردد. در سیره تربیتی ائمه اطهار علیهم السلام تربیت با رفتار و کردار، بارزترین بُعد تربیت است. فرزندان ائمه علیهم السلام با دیدن رفتار آنان سرمشق گرفته، عمل می کردند. «شعیب بن عبد الرحمن خزائی» می گوید: هنگامی که امام حسین علیه السلام در کربلا به شهادت رسید، بر دوشش نشانه ای وجود داشت. از امام سجاده علیه السلام درباره آن پرسیدند، حضرت بسیار گریست و فرمود: «این، اثر بارهای غذایی است که پدرم بر دوشش حمل می کرد و به خانه تهیدستان می برد.»^۱

آری، امام سجاده علیه السلام پیوسته به این رفتار پدرش عمل کرد. بدین سبب، امام باقر علیه السلام فرمود: «(پدرم) علی بن الحسین علیه السلام شبها کیسه نان بر دوش حمل می کرد و (به

مستمندان) صدقه می داد.»^۲

بخش دوم: هنگام وقوع حادثه کربلا

حادثه کربلا، جوانه ترین رویدادی است که زمانه در بستر خود مانند آن را ندیده است.

این واقعه بی نظیر زوایای بی انتهای دارد که تنها اندکی از آنها شناخته شده و زوایای ناشناخته اش بسی بیش از شناخته شده اش است. بی گمان با گسترش دانش بشری در حوزه علوم انسانی، امید کشف آنها دور از انتظار نیست. از جمله زوایای این واقعه عظیم، تأمل از منظر روانشناسی و تربیت است؛ چرا که هدف ائمه اطهار علیهم السلام قبل از هر چیز، هدایت و تربیت است؛ زیرا آنان بزرگ ترین مرییان بشریت اند و باید تفسیر تربیتی از حوادث زندگی آنان ارائه شود.

ذکر این نکته مفید است که گوناگونی شرایط زمانی ائمه اطهار علیهم السلام باعث گشته تا آنان با وجود آرمان مشترک، در عرصه دعوت و تربیت شیوه های گوناگونی داشته باشند. در این میان امام حسین علیه السلام بخاطر شرایط ویژه، ضمن آنکه تمام زندگی و سیره ایشان سرمشقی کامل از حیات طیبه، برای پیروانش است، سیره تربیتی آن حضرت در حادثه کربلا نیز برای کسانی که

۱. حلیة الأبرار، سید هاشم بحرانی، ج ۱، ص ۵۸۲.

۲. مناقب آب ابی طالب، ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۱۵۳.



الْأَطْفَالِ قَلِيلًا مِنَ الْمَاءِ؛^۱ پس کمی آب
برای این کودکان مهیا کن...».

این توجه حضرت زمانی به اوج رسید
که فرزند شیرخواره‌اش را روی دست
گرفت و از دشمن آب طلب نمود.

در کتاب «لهوف» آمده است: «حضرت
زینب طفل را نزد امام آورد و عرض کرد که
این بچه تشنه است، برای او درخواست آب
کن! امام کودک را بر روی دست گرفت و
فریاد برآورد: ای قوم! پیروانم و اهل بیتم را
کشتید و تنها این کودک باقی مانده است که
از تشنگی لبانش را به هم می‌زند. او را با
جرعه‌ای آب سیراب کنید!»^۲

ب) نیازهای عاطفی و روانی

گرچه در طبقه‌بندیهای روانشناسی،
نیازهای زیستی جزء نخستین نیازها به
حساب می‌آید؛ اما نقش نیازهای عاطفی و
روانی نیز با اهمیت و تعیین‌کننده است، اگر
چه نیاز جسمی محسوس و آشکار بوده و
فقدانش جسم را متأثر می‌گرداند؛ اما
نیازهای روحی و روانی نامحسوس‌اند و
عدم پاسخگویی به آنها، روان آدمی را آزرده
می‌سازد. کودکان و نوجوانان به خاطر
موقیت سنی که در برابر مشکلات

زندگی‌شان به شرایط زمانی آن حضرت
شبهت بیش‌تری دارد و می‌خواهند حسینی
باشند، اهمیت فزون‌تری دارد.

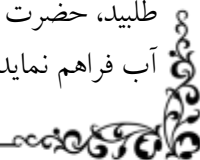
توجه به نیازهای فرزندان

موجودات عالم برای ادامه حیات
نیازهایی دارند که بدون بر آوردن آنها
زندگی ناممکن و یا همراه با سختی است.
این احتیاج در غیر انسان به نیازهای مادی و
جسمانی محدود است؛ اما در انسان شامل
امور مادی، روانی و معنوی هم می‌شود که
تنها در سایه رفع تمام این نیازها به رشد
کامل می‌رسد. توجه مناسب به این نیازها از
نکات مهم تربیتی است؛ نیازهایی که در
قالبهای زیستی، عاطفی روانی و معنوی
جلوه‌گر می‌شود. در واقعه کربلا نیز با وجود
حضرت از توجه به نیازهای مادی و معنوی
فرزندان و همراهان خود غافل نماند.

الف) نیازهای مادی

نیازهای مادی احتیاج اولیه هر انسان
است که بدون تأمین آن، زندگی ممکن
نیست. نیاز به رفع تشنگی از این جمله
است که در کربلا به خاطر وضعیت ویژه‌ای
که دشمن برای کاروان کربلا به وجود آورد،
به نیازهای حیاتی تبدیل شد و ایشان را به
تلاش برای رفع آن از راه‌های ممکن
واداشت. از این رو، آن‌گاه که حضرت
عباس علیه السلام از برادر اجازه مبارزه با دشمن
طلبید، حضرت از او خواست برای کودکان
آب فراهم نماید و فرمود: «فَطَلِّبْ لِهَوَّكُمَا»

۱. عوالم العلوم و المعارف، عبدالله بن نور الله بحرانی،
مؤسسه امام مهدی (عج)، قم، ۱۳۸۲ ش، ج ۱۷،
ص ۲۸۴ و بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۴.
۲. لهوف، سید بن طاووس، نشر مطهر، تهران، ۱۳۷۸
ش، ص ۱۶۹.



آسیب پذیراست، دارند به بر آوردن نیازهای عاطفی و روانی نیاز دوچندان دارند. این نیازها، به خصوص در شرایط ویژه، مانند از دست دادن والدین، بیماری و... چنان شدت می یابد که بی توجهی به آنها بنیان روانی و عاطفی کودک را به مخاطره می اندزد.

این شرایط ویژه به کامل ترین شکل در کربلا برای فرزندان امام حسین علیه السلام جلوه نمود. فرزندان و همراهان آن حضرت در میدان مبارزه و در سخت ترین حالات، امام علیه السلام را صدا می زدند و در واپسین لحظات، اوج نیاز عاطفی خویش را به نمایش می گذاردند. بیماری حضرت سجاد علیه السلام بنا به تقدیر الهی و از دست دادن پدر و امام خویش و این وضعیت خاص، قطعاً توجه ویژه ای را می طلبد و اینجا بود که امام حسین علیه السلام به گونه های مناسب، به نیاز آنان پاسخ می دهد و نسبت به طفلان به گونه ای و به یگانه فرزندش امام زین العابدین علیه السلام به گونه ای دیگر، و در مورد یتیمان و داغدیدگان پس از شهادت خویش به شکلی دیگر سفارش می فرماید.

رفتار تربیتی امام حسین علیه السلام در میدان جنگ

حضرت نسبت به فرزندان و برادرزادگانش که به میدان مبارزه می رفتند، رفتارهای گوناگونی داشت. هنگام رفتن به میدان، با درآغوش گرفتن آنان و اظهار علاقه و محبت، صحنه های زیبایی از عاطفه

و محبت را به نمایش می گذاشت. در مورد قاسم بن الحسن علیه السلام آمده است: «قاسم در حالی که نوجوانی غیر بالغ بود، از سوی خیمه های اطراف میدان خارج شد. وقتی امام حسین علیه السلام نگاهش به قاسم افتاد، او را به آغوش کشید. آن دو دست به گردن هم آویختند و چنان گریستند که بیهوش شدند.»^۱

در مرحله بعد، وقتی آنان در میدان مبارزه، در مقابل شرایط نابرابر، گرمای شدید و تشنگی قرار گرفتند، آن حضرت آنان را به صبر دعوت کرد و به آنان دلداری داد و اظهار همدردی نمود.

در مورد «احمد بن حسن» نوشته اند: بعد از آنکه در میدان جنگ شرایط مبارزه توان را از او گرفت، نزد عمویش حسین علیه السلام آمد و پرسید: عمو (جان)! آیا جرعه آبی هست تا جگر خود را با آن خنک کنم و برای مبارزه با دشمنان خدا و رسولش توان بیش تری پیدا کنم؟ امام علیه السلام فرمود: «یا بُنَىٰ اصْبِرْ قَلِيلاً حَتَّى تَلْقَى جَدَّكَ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ فَيَسْقِيكَ شَرْبَهُ مِنْ الْمَاءِ لَا نَظْمًا بَعْدَهَا أَبَدًا!»^۲ فرزندم! کمی صبر تا جدت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را ملاقات کنی، او شربت آبی به تو بنوشاند که هرگز تشنه نشوی.»

در مورد حضرت علی اکبر علیه السلام نیز

۱. بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۳.

۲. همان.



آمده است: بعد از مبارزه‌ای بی‌امان و کشتن تعدادی از دشمنان، در حالی که جراحات زیاد بر بدن داشت، عطش بر او بسیار ناگوار آمد، پس نزد پدر آمد و عرض کرد: «يَا أَبَةَ الْعَطَشِ قَدْ قَتَلَنِي وَثِقَلُ الْحَدِيدِ قَدْ أَجْهَدْتَنِي فَهَلْ إِلَى شَرْبَةٍ مِنَ الْمَاءِ سَبِيلٌ أَتَقْوَى بِهَا عَلَى الْأَعْدَاءِ؟ فَبِكَيْ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَقَالَ يَا بُنَيَّ يَعْزُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى وَعَلَى وَعَلَى أَيْكَ أَنْ دَعَوْتَهُمْ فَلَا يُجِيبُونَكَ وَتَسْغِيثُ بِهِمْ فَلَا يَغِيثُونَكَ»^۱ ای پدر! عطش مرا از پای درآورد و سنگینی اسلحه مرا ناتوان کرد. آیا شربت آبی هست تا با نوشیدن آن، با توان بیش‌تر با دشمنان مبارزه کنم؟ امام گریست و فرمود: فرزندم! بر محمد و علی و پدرت سخت است که آنان را بخوانی و به تو پاسخ ندهند و به یاری بخواهی و آنان فریادرس تو نباشند.»

در مرحله سوم، آنگاه که فرزندان بعد از مبارزه بی‌امان توسط دشمن مجروح گشته و بر زمین افتادند، حضرت به سرعت خود را بر بالینشان رسانده، آنها را در آغوش گرفت. در آن لحظات حساس که فرزندان نیاز بیش‌تری به تسلی خاطر داشتند، با آنان ابراز همدردی نمود...^۲

به عنوان نمونه آنگاه که «قاسم بن

الحسن» بر زمین افتاد و عموی خود را صدا زد، امام حسین عليه السلام خود را بر بالین وی رساند و در نهایت خشم بر دشمن حمله برد. وقتی گرد و غبار فرو نشست، دیدند امام عليه السلام بر بالین قاسم نشسته و به او که در حال جان دادن بود، فرمود که «عَزُّ وَاللَّهِ عَلَى عَمِّكَ أَنْ تَدْعُوهُ فَلَا يُجِيبُكَ أَوْ يُجِيبُكَ فَلَا يَنْفَعُكَ»^۳ به خدا سوگند! بر عموی تو سخت است که او را بخوانی و او پاسخ ندهد، یا اجابت نماید؛ ولی نتواند کمک کند یا کمک کند؛ اما به تو سودی نبخشد.»

رفتار تربیتی امام حسین عليه السلام به امام سجاد عليه السلام

خواست الهی بر این تعلق گرفت که امام سجاد عليه السلام، حجت بعد از امام حسین عليه السلام بیمار باشد تا جهاد بر او واجب نشود و همچنان زمین از حجت الهی خالی نگردد و این وضعیت جلوۀ دیگری از تربیت حسینی را می‌طلبد. در حالی که شدت مبارزه و مصیبت‌های پیاپی کربلا، انسان معمولی را چنان به خود مشغول می‌کند که همه چیز را فراموش می‌کند، مری بزرگ کربلا از مسئولیت بزرگ تربیت غافل نمانده، چون فرزند خود را نیازمند توجه و مراقبت دید، بر بالینش آمد و به پرسش‌های

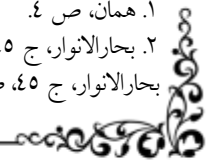
۱. همان، ص ۴.

۲. بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۳؛ مقتل ابی مخنف، ص ۱۲،

بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۴.

۳. لاهوت، سید بن طاووس، ترجمه، محمد محمدی

اشتهاردی، ص ۴۸، بح، ج ۴۵، ص ۳۵.



او در مورد حوادث کربلا صمیمانه پاسخ داد. در منابع تاریخی می‌خوانیم:

«... حضرت به سوی خیمه فرزندش زین‌العابدین آمد و در حالی که فرزندش بر فرشی از پوستین استراحت می‌نمود و حضرت زینب علیها السلام از او پرستاری می‌کرد، از ایشان عیادت نمود. وقتی زین‌العابدین علیه السلام نگاهش به پدر افتاد، خواست از بستر برخاست؛ اما از شدت بیماری قادر به برخاستن نبود. از عمه‌اش زینب علیها السلام خواست که او را کمک کند، زینب خود را تکیه‌گاه او قرار داد. امام حسین علیه السلام از وضعیت بیماری فرزندش سؤال کرد و ایشان حمد و سپاس خدا را به جا آورد و از پدر پرسید: در این روز با این قوم منافق چگونه رفتاری کردی؟ پدر فرمود: فرزندم! شیطان بر آنان مستولی گشت و آنان را از یاد خدا غافل ساخت.»^۱

رفتار تربیتی امام حسین علیه السلام در لحظه وداع

امام علیه السلام در واپسین لحظه‌های زندگی و شرایط ناگوار خانواده و فرزندان، غصه یتیمی و از دست دادن نزدیک‌ترین عزیزان از یک طرف، طی مسیر کربلا تا شام و از شام به مدینه، و همراهی دشمنان سنگدل، از طرف دیگر را مجسم کرد در چنین شرایطی امام علیه السلام شیوه دعوت به صبر و بردباری و توجه دادن به نصرت الهی را برگزید تا با دم

حسینی خود، روح خسته آنان را توان دوباره بخشد و عزمشان برای دست‌یابی به تمام اهداف را، تقویت نماید. در مقاتل آمده است:

«هنگامی که امام علیه السلام همه یارانش را دید که شهید شده‌اند، برای وداع به خیمه‌ها آمد و ندا داد: ای سکینه! ای فاطمه! ای زینب! ای امّ کلثوم! درود و سلام من بر شما باد! سکینه صدا زد: ای پدر! آیا تن به مرگ داده‌ای؟ فرمود: کسی که یاور ندارد، چگونه تن به مرگ ندهد؟»^۲

طبق نقل دیگر فرمود: «ای نور چشم من! کسی که یآوری ندارد، چگونه تسلیم مرگ نشود؟ (فرزندم) رحمت و نصرت خدا در دنیا و آخرت به همراه شما است، پس بر قضای الهی صبر پیشه کن و زبان به شکوه مگشای؛ زیرا دنیا از بین‌رفتنی و آخرت ماندگار است.»^۳

طبق نقل سوم، آن حضرت به فرزندان و خواهران چنین توصیه فرمود: «خودتان را برای گرفتاری آماده کنید و بدانید خدا نگهدار و یاور شما است و شما را از شر دشمنان نجات می‌بخشد و عاقبت امرتان را به خیر خواهد کرد. دشمنانتان را با انواع بلاها عذاب خواهد نمود و به شما در برابر

۲. نفس المهموم، حاج شیخ عباس قمی، مؤسسه نشر شهر، تهران، ۱۳۸۹.

۳. منتهی الآمال، شیخ عباس قمی، ترجمه رضا استادی، نشر مصطفی، تهران، ۱۳۸۴ ش، ج ۱، ص ۴۴.

۱. موسوعه کلمات امام حسین علیه السلام، ص ۴۸.



يَشْكُونُ إِلَيْهِ حُزْنَهُمْ سِوَاكَ؛^۲ فرزندم! تو پاکیزه‌ترین ذریه و بافضیلت‌ترین خاندان من هستی. بعد از من تو سرپرست کودکان و اهل بیتی. آنان [پس از من] غریب هستند و به خواری کشیده می‌شوند. خواری، یتیمی، شماتت دشمنان و مصیبت‌های زمان آنها را در برگرفته است. هرگاه ناله و گریه آنان بلند شد، آرامشان گردان. در هنگام ترس همراهشان باش. با سخنان نرم تسلی خاطرشان بده. از مردان آنها جز تو کسی که با او انس بگیرند، باقی نمانده است و جز تو کسی را که شنوای شکوه‌ها و درد دل‌هایشان باشد، ندارند.»

پاسخگویی به پرسشهای فرزندان

وقتی فرزندان دوران نوزادی و کودکی را پشت سر می‌گذارند، بر اثر ارتباط بیش‌تر با اشیاء پیرامون و برخورد با موقعیتهای جدید، سؤالاتی در ذهنشان به وجود می‌آید و در مقطعی از سن، چنان والدین را سؤال باران می‌کنند که آنها را به ستوه می‌آورند.

هرچه کودکان رشد عقلانی بیش‌تری می‌یابند، سؤالات جدی‌تری خواهند داشت، به‌ویژه در دوره نوجوانی و آغاز جوانی، شرایط جدید، تغییر و تحولات، تصمیمات بزرگ در زندگی والدین سؤالات بیش‌تری را در ذهن آنان ایجاد می‌کند. در چنین وضعیتی بر والدین بصیر و آگاه لازم است

این گرفتاری، انواع نعمت و کرامت عطا خواهد کرد، پس زبان به شکوه مگشایید و سخنی مگویید که از منزلت و ارزش شما بکاهد.»^۱

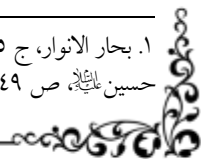
سفارش به فرزندان یتیم و بازماندگان

فرزندان و بازماندگان کاروان کربلا نظاره‌گر دل‌خراش‌ترین صحنه‌ها بوده‌اند، لذا به توجهی عمیق نیاز داشتند. از این‌رو، امام حسین علیه السلام با تمام گرفتاریها و مصائب، وضعیت روحی و روانی فرزندان را برای پس از شهادت خود پیش‌بینی کرد و در واپسین لحظات، تنها فرزند بازمانده خود، امام زین العابدین علیه السلام را به توجه، مراقبت و درک وضعیت روحی آنها سفارش فرمود و آنچنان شرایط روانی و روحی آنها را ترسیم نمود و مشاوره‌های لازم تربیتی را به ایشان ارائه داد که هر آشنا به مسائل روانشناسی و تربیتی را به شگفتی وامی‌دارد. امام علیه السلام فرمود: «... يَا وَلَدِي أَنْتَ أَطْيَبُ ذُرِّيَّتِي وَأَفْضَلُ عِتْرَتِي وَأَنْتَ خَلِيفَتِي عَلَى هَؤُلَاءِ الْعِيَالِ وَالْأَطْفَالِ فَإِنَّهُمْ غُرَبَاءُ مَخْذُولُونَ قَدْ شَمَلَتْهُمْ الذَّلَّةُ وَاللَيْمُ وَشَمَاتَةُ الْأَعْدَاءِ وَنَوَائِبُ الزَّمَانِ، إِذَا صَرَّحُوا وَأَنَسَهُمْ إِذَا اسْتَوْحَشُوا وَ سَلَّ خَوَاطِرَهُمْ بَلَّيْنِ السَّلَامِ فَإِنَّهُمْ مَا بَقِيَ مِنْ رَجَالِهِمْ مَنْ يَسْتَأْنِسُونَ بِهِ غَيْرُكَ وَلَا أَحَدَ عِنْدَهُمْ»

۱. بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۴۷؛ موسوعه کلمات امام

حسین علیه السلام، ص ۴۹.

۲. لهوف، ص ۴۸.





رسیده است.» حضرت علی اکبر علیه السلام پرسید: ای پدر! آیا ما بر حق نیستیم؟ فرمود: «فرزندم! به خداوندی که تمام بندگان به سوی او برمی گردند، ما بر حق هستیم.» علی اکبر علیه السلام عرض کرد: در این صورت از مرگ ترسی نداریم. امام فرمود: «خدا بهترین پاداش پدر به فرزند را به تو عطا فرماید!»^۱

۲. در شب عاشورا بعد از آنکه حضرت، حوادث روز عاشورا و شهادت یاران را ترسیم کرد، قاسم بن حسن علیه السلام درباره شهادت خود پرسید. امام علیه السلام به او مهربانی کرد و پرسید: فرزندم! مرگ نزد تو چگونه است؟ پاسخ داد: عمو (جان)! مرگ نزد من از غسل شیرین تر است. حضرت بعد از آنکه ظرفیت و توان درک قاسم را نمایان ساخت و پاسخ زیبای او را شنید، فرمود: عمویت به فدایت! به خدا قسم! تو از کسانی هستی که بعد از آزمایش بزرگ به همراه من شهید می شوی.^۲

نقش آزادی انتخاب در تربیت فرزندان

خدا انسان را آزاد آفریده و قدرت اراده و انتخاب به او بخشیده است تا در پرتو آن از میان راه‌های مختلف مسیر صحیح را برگزیند.

آنچه انسان در پرتو شناخت و بدون

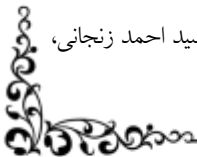
که برای فرزندانشان زمینه پرسش‌گری را فراهم کند و پای صحبت‌های آنان بنشینند و با صبر و حوصله به پرسش‌های آنان پاسخ مناسب دهند و ابهامات را مرتفع سازند. پاسخگویی به سؤالات آنان در رشد فکری و تربیتی‌شان مؤثر است.

حادثه کربلا - که در زندگی امام حسین علیه السلام موقعیت جدیدی محسوب می شد - پرسش‌هایی را در ذهن فرزندان و دیگر همراهان حضرت ایجاد کرد و ذهن کنجکاو آنان را به پرسشگری وا داشت. امام با درک موقعیت آنها، به سؤالاتشان پاسخ‌های مناسب و در خور آنان می داد. به دو نمونه از پاسخگویی حضرت اشاره می‌کنیم:

۱. آن حضرت علیه السلام هنگام ظهر به همراه اصحابش، در تعلیه فرود آمد، خواب کوتاهی بر آن حضرت مستولی شد که پس از اندکی حضرت با چشم گریان از خواب بیدار شد. فرزندش علی اکبر علیه السلام که متوجه این صحنه بود، پرسید: ای پدر! چرا گریه می‌کنی؟ خدا چشم تو را نگریند. حضرت فرمود: «فرزندم! این لحظه وقتی است که رؤیا در آن دروغ نمی‌باشد. من در خواب سواره‌ای را دیدم که کنارم ایستاد و گفت: ای حسین! شما به سرعت حرکت می‌کنید و مرگ به سرعت شما را به بهشت می‌رساند، پس آگاهی یافتم که مرگ ما فرا

۱. نسخ التواریخ، عباسقلی سپهر، چاپ اسلامیه، تهران، ۱۳۶۴ ش، ج ۲، ص ۲۲۰.

۲. لهوف، سید بن طاووس، ترجمه سید احمد زنجانی، نشر جهان، تهران، ۱۳۵۳.





بسته‌اید، آزاد هستید...»^۱

همچنین هنگامی که آن حضرت عبد الله، فرزند مسلم نزد ایشان آمد و اجازه میدان طلبید، فرمود: تو در بیعت با من آزاد هستی. شهادت پدرت کافی است. تو دست مادرت را بگیر و از این معرکه خارج شو! عبد الله عرض کرد: به خدا سوگند! من از کسانی نیستم که دنیا را بر آخرت مقدم دارم.^۲

اکراه و اجبار برگزید و در راه تحقق و دستیابی به آن تا پای جان ایستاده، عنصر آزادی به جا و انتخاب درست می‌باشد که در تربیت، عنصری گرانبها و کارآمد است؛ زیرا در تربیت فرزندان اجبار ثمری نمی‌بخشد. والدین و مربیان باید چنان زمینه را آماده کنند که فرزندان خود راه صحیح را برگزینند تا بر آنچه به حق برگزیده‌اند، پایبند و استوار باشند.

از جلوه‌های تربیتی حادثه عاشورا، صحنه آزادی و انتخاب راه بود. امام حسین علیه السلام با اینکه در کربلا به شدت نیازمند داشتن یاور بود؛ اما با کمال صداقت و راستی فرزندان و دیگر یاوران خود را در ادامه مسیر آزاد گذاشت و با اینکه بر فرزندان خود حق بزرگ دارد؛ اما هیچ‌گاه راه مبارزه و همراهی خود را بر آنان تحمیل نفرمود و از این‌رو، آنان که آگاهانه همراهی پدر و امام خویش را برگزیدند، در این راه تا آخرین نفس ایستاده، جان خویش را فدا نمودند.

«ابی حمزه ثمالی» از امام علی بن الحسین علیه السلام نقل می‌کند که: در شب عاشورا پدرم اهل و فرزندان خود و اصحاب را جمع نمودند و خطاب به آنان فرمود: «ای اهل و فرزندان و ای شیعیان من! از فرصت شب استفاده کنید و جانهای خود را نجات دهید... شما در بیعتی که با من

۱. نفس المهموم، ص ۲۳۰.

۲. موسوعه کلمات امام حسین علیه السلام، ص ۴۰۱.

